

## تحلیل تاریخی - جامعه‌شناختی پیامدهای کشف حجاب با توجه به سیاست نوسازی عصر رضا شاه

پهلوی (۱۳۲۰-۰۱۳۰۰.ش)

### فرشته السادات حسینی بجدنی

دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fereshteh.hosseini@yahoo.com

### فیاض زاهد

استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Fayyaz.zaahed@gmail.com

### حسین آبادیان

استاد گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

abadian@hum.ikiu.ac.ir

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شبا) ۲۷۱-۲۰۰۸ - سال ۱۶ شماره ۶۲ - صفحه ۳۰۴-۲۸۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۰

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد تحلیل پیامدهای کشف حجاب در دوره ی رضاشاه پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰۰) است. پرسش اصلی این است که آیا کشف حجاب توانسته تاثیری بر نوسازی و توسعه داشته باشد؟ با توجه به مستندات، روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی، با استفاده از نظریات توسعه و نوسازی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای است. در عصر رضا شاه با توجه به تلاش روشنفکران، مجلات، زنان و سفر شاه به ترکیه کارهایی جدی در امور مربوط به زنان انجام پذیرفت. توسعه کشور و لزوم صنعتی شدن، نیاز به نیروی کار فراوان و ارزان، حضور زنان در جامعه را برای پاسخگویی به این نیاز توجیه می کرد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که اعلان قانون کشف حجاب در ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ توسط رضاشاه، در ظاهر مقدمات حضور زنان را برای پیشبرد هدف نوسازی رضاشاه فراهم ساخت. ساختن مدارس و دانشسراها و تشویق دختران به آموزش، چاپ مقالات در مجلات مخصوص نسوان نیز به این اقدام مدد رساند. البته استفاده از قوای زور در اجرای این قانون موجب مخالفت و مقاومت برخی افراد شد و به ازای زنانی که با این اقدام به اجتماع وارد شدند، زنان و دختران بسیاری نیز خانه نشینی اجباری را برگزیدند. در واقع رضاشاه با این اقدام، تا حد زیادی توانست به هدف خود مبنی بر حضور زنان در جامعه نائل آید ولی پیامدهای مثبت و منفی زیادی در برداشت.

**واژگان کلیدی:** رضاشاه، زنان، کشف حجاب، توسعه، نوسازی.

## مقدمه

در طول تاریخ همواره زنان به عنوان نیمی از پیکره‌ی اجتماع مورد توجه و البته در مواردی مورد اجحاف بوده‌اند. در تاریخ ایران، زنان مقامی والا داشته‌اند و با توجه به شرایط در هر دوره‌ای وضعیت متفاوتی را پذیرفته‌اند. مسأله‌ی حجاب و پوشش نیز از جمله همین امور است که محل مباحثه‌های متفاوت در طول تاریخ بوده است. حجاب پوششی است که زنان استفاده می‌کنند و کشف به معنی آشکار ساختن و پیدا کردن است.<sup>۱</sup> انتخاب این نام برای عدم استفاده‌ی زنان از حجاب بسیار قابل توجه است، چون در عرفان منظور از آن از بین رفتن پرده‌ی جهل است و احتمالاً این معنی در این اصطلاح نیز برای رفع حجاب مورد نظر بوده است. شاید بتوان زمزمه‌های کشف حجاب را از فرقه‌ی بابیه و بانویی به نام طاهره قره‌العین پی‌گیری نمود. او نخستین کسی بود که بدون حجاب در میان مردان ظاهر شد و زنی بود بسیار فاضل و طرفداران زیادی داشت. با این که به واسطه‌ی عقایدش کشته شد ولی بدعت او در یادها ماند. علاوه بر این با سفر ناصرالدین شاه قاجار و دیگر ایرانیان در قالب سفیر، سیاح، دانشجو و بازرگان و آشنایی آنها با نوع پوشش و رفتار و جایگاه زنان اروپایی، گرایش به تقلید از سبک زندگی غربی رواج یافت. این افکار در دوره انقلاب مشروطه رونق یافت و در همان روزها انجمن‌هایی توسط زنان برپا شد که خواهان آزادی زنان و راهیابی به اجتماع بودند و گهگاه از میان آنها زمزمه‌هایی برای حذف حجاب و نوسازی جامعه بلند می‌شد. این پژوهش سعی در تحلیل تاریخی، از منظر نظریات توسعه<sup>۲</sup> و نوسازی<sup>۳</sup> دارد.

## اصلاحات رضاشاه

تقریباً تمام کتب تاریخی این دوره، به اصلاحات رضاشاه اشاره‌ای داشته‌اند. در واقع منظور از اصلاحات، تغییرات جزئی و کلی در برخی از لایه‌های اجتماع توسط رضاشاه است. زنان هم به عنوان بخش مهم جامعه، هدف این اصلاحات قرار گرفتند. به عنوان مثال رضاشاه در ۲ اسفند ۱۲۹۹

<sup>۱</sup> فرهنگ فارسی معین، ذیل حجاب و کشف: ص ۵۰ و ۸۹۰.

<sup>۲</sup> Development یک جریان چند بعدی است و باید تمامی ابعاد حیات انسانی (اقتصادی، سیاسی،

روانی، فرهنگی و ...) را در برگیرد و در واقع انسان محور توسعه است. (راد، ۱۳۸۲: ۵۴)

<sup>۳</sup> Modernization تغییر اساسی در ساختار، اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم در همه‌ی عرصه‌های

اندیشه و عمل انسان است. (عالم، ۱۳۷۳: ۱۱۰)

برای مطالعه ر. ک به فرهنگ جامعه‌شناسی، طاهره میرسارد، ج ۲، ۱۳۷۹، نشر سروش.

ه.ش به یکی از افسران انگلیسی چنین گفت: «در حال پیشروی به سوی پایتخت و استقرار حکومتی هستم که بیش از دل مشغولی به مجلس، مشروطه و قانون اساسی و موضوع های بی ربطی از این قبیل، قدری به نظم و ترتیب خانه ی خود بپردازد.» (فوران، ۱۳۸۰:ص ۳۰۲) بر طبق همین نظر، او دست به اصلاحات زیادی زد که بیش تر در قالب مسائل اجتماعی بود. او در پی برپایی جامعه ای نو بود. جامعه ی نو جامعه ای است با مشخصاتی چون شهرنشینی، باسوادی، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی و وابستگی اجتماعی گسترده. (زاهد، ۱۳۹۰:ص ۹۴) قدرتمند کردن ارتش از طریق اضافه کردن حقوق ارتش، غیر دینی سازی جامعه از طریق محدود کردن قدرت روحانیون و جلوگیری از برگزاری مراسم مذهبی، آموزش و گشودن و جایگزین کردن مدارس به جای مکتب خانه ها و ایجاد دانشسراها و صدور شناسنامه و کشف حجاب را می توان از جمله اقداماتی دانست که در قالب بحث ما می گنجد. نوسازی و توسعه از اهداف مهم رضاشاه بود و زنان در ذهن و عمل او نقش مهمی در این زمینه داشتند. مهمترین قشری که از این اصلاحات دچار تغییر شدند را می توان زنان دانست، چون تا قبل این زنان در خانه ها بودند و کم تر مجال حضور در اجتماع به ایشان داده می شد. رضا خان به بحث آموزش اهمیت زیادی می داد و حتی مساوی برای زنان در این زمینه قائل بود. در اول خرداد ۱۳۰۷ه. ش با تصویب قانون اعزام محصل به خارجه و در ششم تیرماه ۱۳۰۸ه.ش با تصویب قانون اجازه بیست درصدی محصلین اعزامی اروپا از بین محصلین بی بضاعت ایرانی مقیم اروپا و تهیه نظام نامه های آن در سال بعد، روز به روز به عدد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور افزوده شد و از سال ۱۳۱۰ه.ش به این سو دانشجویان یاد شده پس از پایان تحصیل به ایران بازگشته و غالباً در تهران سکونت اختیار کردند. (تکمیل همایون، ۱۳۷۹:ص ۱۸۶) همین عده در سال های بعد در زمره ی روشنفکران مدافع کشف حجاب درآمدند. در سال ۱۳۱۳ ه.ش نیز دانشگاه تهران تأسیس شد و روز به روز بر وسعت آن اضافه شد. (همان:ص ۲۰۰) یکی دیگر از اقدامات رضاشاه غیرمذهبی نمودن جامعه به منظور بیرون آوردن بخش های مختلف جامعه از حیطه ی نفوذ روحانیت بود. (الموتی، ۱۳۶۹:ص ۲۱۷) البته رضاشاه در زمان تاجگذاری و سوگند خود در روز سه شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۰۴ه.ش ساعت ۲ بعداز ظهر در مجلس شورای ملی دوره ی پنجم چنین خطابه نمود: «اولاً توجه مخصوص من معطوف حفظ اصول دیانت و تشدید مبانی آن بوده و بعدها نیز خواهد بود. زیرا یکی از وسایل مؤثر وحدت ملی و روح ایرانیت را، تقویت کامل از اساس دیانت می دانم.» (مکی، ۱۳۶۱:ص ۳۸) ولی کم کم بر اساس تفکرات خود و

تغییرات اجتماعی در کشورهای همسایه در شیوه‌ی نگرش او به مذهب تغییراتی پدید آمد. به نظر می‌رسد او مذهب را مخالف اهداف نوسازی خود می‌دانست. اقدامات رضاشاه در مورد زنان رضاشاه را می‌توانیم نخستین پادشاهی بدانیم که مستقیماً وارد امور مربوط به زنان شد و در مورد ایشان دست به اقدامات اساسی زد. رضاشاه در زمینه‌ی زنان تا حدی تحت تأثیر اصلاحات آتا تورک قرار گرفت و به قول شمیم هر دو در تلاش بودند زنان را به زور از خانه‌ها بیرون آورده و به اجتماع وارد کنند. (شمیم، ۱۳۹۱:ص ۱۸۵) البته باید متذکر شد جامعه‌ی مرد سالار ایران با باورهایی که از زندگی ایلی و عشیره‌ای نشأت می‌گرفت، تصور مناسبی از حضور زن در جامعه نداشت. (زاهد، ۱۳۹۰:ص ۲۶۷) حتی در آثار سفرنامه نویسان اروپایی که از عصر صفوی به بعد به ایران سفر کرده‌اند نیز می‌توان گزارش‌هایی از همین شیوه‌ی تفکر غالب در مورد زنان و پوشش ایشان و حضورشان در جامعه مشاهده نمود. مثلاً پیتر دلاواله در مورد حجاب زنان دو تصویر متفاوت ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده‌ی تفاوت پوشش زنان شهری و روستایی ایران آن دوره است و بعدها می‌بینیم که در قانون کشف حجاب بیش‌تر زنان شهری مد نظر قرار می‌گیرند.

«زنان وقتی بیرون می‌روند تمام بدن و چهره‌ی خود را به نحوی که در سوریه مرسوم است، با پارچه‌ی سفید می‌پوشانند. (دلاواله، ۱۳۹۰:ص ۱۲۱) این سفرنامه نویسان حتی درجه‌ی نجابت زن ایرانی را با حجاب او مربوط می‌دانستند. «زنان خود را در ایران به احدی غیر از شوهر خود نشان نمی‌دهند. وقتی به حمام عمومی می‌روند، در چادری سرتاپای خود را مستور می‌کنند که فقط محازات چشم، دو سوراخ دارد که بتوانند ببینند و حمام عمومی مخصوص فقرا و طبقه‌ی سوم است ... زن معقول و نجیب و محترم کسی است که بیش‌تر مستوره و محفوظ باشد.» (تاورنیه، ۱۳۶۶:ص ۶۲۸) در گزارشی جالب از مادام دیالافوا، مکالمه‌ای بین ناصرالدین شاه قاجار و ایشان درباره‌ی حجاب بانوان ایرانی داده می‌شود که در خور توجه است. ناصرالدین شاه نداشتن حجاب برای زن را موجب شورش جامعه می‌داند. از همین‌جا می‌توان به این امر پی برد که کشف حجاب در ایران نیازمند تغییر در ساختار سنتی جامعه و نگاه سنتی به زن ایرانی بود و رضاشاه به این امر واقف بود و البته سایر نهاد‌های جامعه مثل نهاد روشنفکران، نهاد مطبوعات و ... نیز در آماده کردن بستر جامعه سهم بودند.» ناصرالدین شاه گفت در ممالک ما زن‌ها نمی‌توانند با روی باز بیرون بیایند مردم تحریک می‌شوند و شاید شورش هم بکنند. ممکن است شما از این اوضاع تعجب کنید ولی به تصور آورید که اگر اتفاقاً یک زن ایرانی با لباس ملی خود و روی پوشیده در خیابان‌های

پاریس حرکت کند ، مردم چگونه در معبر او برای تماشا ازدحام خواهند کرد. البته رعایای من هم مانند رعایای فرانسه به محظوراتی گرفتار هستند و باعث می شود که بسیاری از مردان ایرانی در تمام عمر به غیر از زن خود و اقوام نزدیک روی زن دیگری را نمی بینند.» (دیولافوا، ۱۳۹۰:ص ۱۵۷) به نظر پژوهشگر نمی توان فقط نگاه مردسالارانه را سبب حجاب و عدم حضور زنان دانست گاهی زنان نیز تمایل زیادی به پنهان نمودن صورت خود از دیگران داشتند و برایشان لذت بخش بود. « باید بدانید که این عادات مشرق زمینی ها در مورد نشان ندادن چهره ی زن به طوری که بعضی ها تصور می کنند فقط ناشی از فروتنی یا حسادت شوهر و یا منع مذهبی نیست بلکه به علت تفاخر و خودپسندی است تا چنین وانمود سازد که هر کس لیاقت دیدن صورت آن ها را ندارد.» (قمی، ۱۳۵۹:ص ۱۰۳) با این پیشینه که تاحدی از گفتار بالا به دست آمد می توان به لزوم اصلاح در امور زنان توسط رضاشاه پی برد. از طرفی کشوری که در حال توسعه است به تمامی جمعیت خود برای حضور در عرصه ی نوسازی محتاج است و این هم ضرورتی دیگر برای اقدامات رضاشاه بود. در همین راستا زنان در جامعه ی در حال صنعتی شدن چون به عنوان نیروی کار ارزان و فراوان شناخته می شدند ، در جامعه حضور یافتند و جریان توسعه را سرعت بخشیدند. (فکوهی، ۱۳۷۹:ص ۱۰۹) سفر شاه به ترکیه و دیدار اقدامات اصلاحی آتاتورک ، از دیگر عوامل تاثیرگذار بر تفکر رضاشاه در اصلاح امور زنان بود. در خرداد سال ۱۳۱۳ ه. ش رضاشاه سفری به کشور ترکیه داشت و پس از آن سفر بود که برنامه های حکومت در قبال زنان، شتاب بیشتری گرفت که از آن جمله، کشف حجاب بود (هدایت، ۱۳۹۶، ۵۱۶). رضاشاه از وضعیت زنان و مسأله ی جدایی دین از سیاست در ترکیه چنان به وجد آمده بود که گفت: « من هرگز تصور نمی کردم ترک ها تا این اندازه پیشرفت کرده باشند. حالا می بینم ما خیلی عقب هستیم و باید با تمام قوا در پیشرفت مملکت به خصوص آزادی زنان اقدام کنیم.» (الموتی، ۱۳۶۹:ص ۲۹۶) به عقیده ی بسیاری از نویسندگان سفر به ترکیه رضاشاه را در امر رفع حجاب و جدایی دین از سیاست ترغیب کرد. یکی از مسایل مهم این بود که در ترکیه زنان توانسته بودند حق طلاق را به دست آورند به همین علت بود که برخی از زنان ایرانی نیز به تحولات ترکیه با نظری تحسین آمیزی نگرستند که از آن جمله حق طلاق برابر برای زن و مرد بود. (آبادیان، ۱۳۹۳:ص ۱۶) که این امر برای بانوان

<sup>۴</sup> توسعه اقتصادی با هدف بالابردن سطح زندگی مردم و رفاه عمومی. (ازکیا، ۱۳۸۵، ۶)

ایرانی مهیا نشد. به دنبال همین تفکر بود که موسسات آموزشی به ویژه دانشگاه تهران برای ورود دختران آماده شد. در اماکن عمومی مثل سینماها حق تبعیض برای زنان وجود نداشت و در صورت بروز با جریمه های سنگین پاسخ داده می شد. مهم تر از همه دستور کشف حجاب و ممنوعیت استفاده از چادر بود. اصلاحاتی در زمینه ی قانون خانواده پدید آمد ولی هنوز هم مردان اجازه ی گرفتن زن و طلاق آن ها را داشتند. حق ارث هم هنوز دوبرابر زنان بود. زنان از حق رأی نیز همچنان محروم بودند. (همان:ص ۱۸۰) البته در قانون مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸، در مورد ارث تغییراتی پدید آمد. (ماده ۹۴۰- زوجینی که زوجیت آن ها دائمی باشد، از یکدیگر ارث می برند.) (معمدی و دیگران، ۱۳۷۷:ص ۱۲۷) در اوایل خرداد ۱۳۱۴ه.ش رضاشاه هیأت دولت را احضار کرد و گفت ما باید صورتا و سنتا غربی بشویم و باید در اول قدم کلاه ها تبدیل به شاپو شود و پس فردا که افتتاح مجلس شورا است، همه باید با شاپو حاضر شوند و در مجالس کلاه را به عادت غربی ها بردارند و نیز باید شروع به رفع حجاب زن ها نمود و چون برای عامه ی مردم دفعتا مشکل است اقدام کنند ، شما وزرا و معاونین باید پیش قدم شوید و هفته ای یک شب با خانم های خود در کلوپ ایران مجتمع شوید. به حکمت دستور داد در مدارس زنانه معلمین و دخترها باید بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری امتناع کرد ، او را به مدرسه راه ندهند و امر داد زن هایی که مایل به خدمت از قبیل ماشین نویسی باشند ، در ادارات بپذیرند. (بصیرت منش، ۱۳۷۶:ص ۱۹۱) در واقع تغییر لباس، مقدمه و تمرینی بود برای رفع حجاب. البته این اقدامات زمینه ی بروز نارضایتی هایی بود، به طور مثال آیت الله حائری تلگرافی به رضاشاه در اوایل تیرماه ۱۳۱۴ه.ش ارسال کرد و رضاشاه به قم رفت ولی اعلام کرد که از برنامه ی خود دست نخواهد کشید. (فلاح زاده، ۱۳۹۱:ص ۱۷۸) در کنار این اقدامات ، مطبوعات رژیم می کوشیدند با نگارش مقالاتی ، سنت حجاب را مورد هجوم قرار دهند و آن را موجب عقب ماندگی کشور و زنان ایرانی برشمرند. پس از آن به تدریج کوشش شد کشف حجاب در مدارس عملی شود. آوردن حدود ۳۰ تن از زنان تهران بدون حجاب در خیابان های این شهر از آغاز سال ۱۳۱۴ه.ش، تشکیل کانون بانوان در اوایل همان سال از سوی وزارت معارف و ... همگی در راستای اجرا و عملی کردن کشف حجاب صورت می گرفت. (همان:ص ۷-۱۷۶) در اساسنامه ی کانون بانوان که در سال ۱۳۱۴ه.ش با ریاست شمس پهلوی تشکیل شد ، به مسایلی چون تربیت فکری و اخلاقی بانوان، ورزش، تغذیه و پرورش اطفال اشاره شد. (کرباسی زاده، ۱۳۸۴:ص ۷۰) شاید لازم به توضیح باشد که، هدف اصلی ایجاد این کانون

، پیگیری سیاست کشف حجاب بود و بیشتر به جذب مشارکت زنان و گسترش وفاداری به رضاشاه می پرداخت و هاجر تربیت ریاست آن را بر عهده گرفت. (حافظیان، ۱۳۹۰:ص ۲۲۷). زنان در دوره ی رضاشاه ورود به قلمروهای آموزشی و نیروی کار را نیز آغاز کردند که در واقع یکی از مهم ترین قدم ها در راه پیاده نمودن نوسازی رضاشاه بود. در سال ۱۳۱۹ش حدود ۴۵۰ دختر از دبیرستان فارغ التحصیل شدند. نخستین زنانی که از دانشگاه فارغ التحصیل شدند مشاغل خوبی به دست آوردند. در آن سوی ساختار اجتماعی یعنی طبقه کارگر، ۸۰ هزار زن در صنایع و تعداد نامعلومی در ادارات و مغازه ها کار می کردند. مردشان بسیار ناچیز و از مزد مردها کمتر بود. ساعت های طولانی در شرایط نامطلوب محیطی کار می کردند. با آن که رضاشاه خود را آزاد کننده زنان می دانست ، در قانون مدنی اکثریت قوانین شریعت مورد تأیید قرار گرفت. در حقوق خانواده زنان مورد تبعیض قرار گرفتند. قانون کشف حجاب نیز مورد انتقاد قرار گرفت و گفته شد این قانون باعث شده تا زنان سالخورده و سنتی خود را در خانه ها زندانی کنند ، اما نسل جوان مستقلاً گام های بلندی برای شرکت در زندگی عمومی برداشتند ، بی آن که قانونی در این زمینه ها تدوین شده باشند. زنان از حق رأی برخوردار نشدند و جنبش های زنانه در مقایسه با سال های ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۴ه.ش از خودجوشی و فعالیت و سرزندگی چندانی برخوردار نبود. پس می توان گفت از لحاظ مشارکت در زندگی اجتماعی پیشرفت های زیادی حاصل شد، اما این پیشرفت ها در محدوده ی خاص و بسته به شانس و تصادف بود.(فوران، ۱۳۸۰:ص ۳۵۹) البته با توجه به الیگارشی رضا شاه اعتقاد به شانس و تصادف خیلی هم درست به نظر نمی رسد. در برخی از دیدگاه ها بر دستاوردهای دوره ی پهلوی برای زنان تأکید شده است و در برخی دیگر به دلیل تأثیر این سیاست ها در ایجاد شکاف میان زنان و کشف حجاب که باعث خانه نشین شدن اجباری زنان مذهبی شد مورد نکوهش واقع شده است. در میان این انتقادات به ویژه بر فمینیسم دولتی رضاشاه به عنوان مانعی در رشد مستقلا نهی جنبش های زنان تأکید می شود (صادقی، ۱۳۸۴:ص ۱-۲). رضاشاه بر این باور بود که برای پیشرفت ملی، به کار زنان نیاز است. در این دوره کتاب های زیادی با موضوع و محوریت زن تالیف گردید و مطبوعات نیز وظیفه ی تئوری سازی نقش زنان در جامعه و زندگی خانوادگی- اجتماعی را بر عهده داشتند. زنان در قلب تلاش برای ساخت یک ملت پویاتر و متحدتر قرار گرفتند که مدرن بود و با جمعیتی سالم تر، همراه با آموزش بهتر و پربارتر، در یک سیستم خانوادگی که نه تنها افتخار ملی را حفظ می کرد، بلکه مادرانی بهتر، شریکانی متمدن تر و اعضای مسوول در

جامعه پرورش می‌داد (پایدار، ۱۳۸۶، ۱۱۷). رضاشاه با این که هیچگاه برنامه‌ی نوشته شده‌ی منظمی مثل رساله، سخنرانی، وصیت‌نامه نداشت، اصلاحاتی نا منظم انجام داد که علاقه او را به ایران نشان می‌داد. این اصلاحات را می‌توان در دو عنوان خلاصه کرد،

۱- ایران به دور از دخالت مذهب و اختلافات قبیله‌ای. ۲- ایرانی با نهادهای آموزشی غربی، زنان فعال خارج از منزل به شیوه‌ی غربی، ساختار اقتصادی نوین. ابزار او برای رسیدن به این هدف، غیردینی‌سازی، مبارزه با قبیله‌گرایی، ملی‌گرایی، توسعه آموزشی و سرمایه‌داری دولتی بود. (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ۱۷۴)

### زمینه‌های کشف حجاب در مجلات

بی‌شک نشریاتی که در این دوره منتشر شدند سهم بسزایی در ایجاد آگاهی و به دنبال آن تغییرات داشتند. در کنار مقالات و کتب و نظریات روشنفکران مشروطه، مطبوعات به سهم خود به این حرکت جدید یاری رسانده و با درج مقالاتی چند، سعی فراوانی در تحرک فکری و پویایی زنان به عمل آوردند. کشف حجاب یکی از موضوعاتی بود که در راستای این درخواست‌ها قرار داشت. (زاهد، ۱۳۹۰:ص ۲۶۹) قبل از به قدرت رسیدن رضاشاه گروه‌های متعددی از زنان قصد داشتند کشف حجاب نمایند و برای این منظور در یکی از مساجد بست نشستند و خواستار حق کشف حجاب برای زنان شدند. بست نشینان خواهان برداشتن نقاب از چهره بودند، چون اعتقاد داشتند از نظر اسلام نمایش وجه و کفین اشکالی ندارد. در اوایل این دوره، دو نظریه راجع به کشف حجاب وجود داشت. تعدادی طرفدار مستقیم کشف حجاب بودند و عده‌ای دیگر برداشتن نقاب و تغییر رنگ چادر از مشکی به رنگ‌های دیگر را کافی می‌دانستند. ولی هر دو گروه با مخالفت‌هایی مواجه شدند. (صلاح، ۱۳۸۴:ص ۷-۱۲۶) البته نشریاتی هم بودند که مخالف برداشتن حجاب بودند. ناشر و ویراستار مجله‌ی شکوفه از اولین و مهم‌ترین مجلات زنان به شمار می‌رفت و در روزنامه اش علیه ترک حجاب زنان مطلب می‌نوشت. (پاپلی یزدی، ۱۳۹۷:ص ۴۴) ولی بیش‌تر روزنامه‌ها و مجلات نسوان نخستین قدم‌ها را برای کشف حجاب برداشتند. از آن میان می‌توان به روزنامه‌ی *زبان زنان* اشاره نمود که در ۱۲۹۸ه.ش در اصفهان منتشر می‌شد و چون این کار بر مردم متعصب گران آمد، خانه‌ی دولت آبادی را سنگسار کردند و او به ناچار به تهران آمد. سپس در ۱۳۰۰ش در تهران منتشر شد. مدیریت این روزنامه بر عهده‌ی صدیقه دولت آبادی بود که خواهر یحیی دولت آبادی نویسنده‌ی معروف بود. (آرین پور، ۱۳۸۲:ص ۹). او در ۱۳۰۶ اولین



زنی بود که کشف حجاب نمود و حجاب را چون بندی بر پای زنان می دانست که آنها را از اجتماع دور ساخته است. (صلاح، ۱۳۸۴:ص ۳۲) البته دولت آبادی زنی تحصیل کرده بود که در سال ۱۳۰۶ در رشته تعلیم و تربیت از دانشگاه سوربن پاریس فارغ التحصیل شده بود. (فراهانی، ج ۱:ص ۱۱۸) مجله دیگر *عالم نسون* بود که با مدیریت نواب صفوی در ۱۲۹۹ش تأسیس شد. در مقاله ای تحت عنوان "زن مگر بشر نیست" که در شماره ی ۶ از سال ۱۷م این مجله به چاپ رسید، اخبار ترقی زنان ترکیه و کشف حجاب آنان وجود داشت. (صلاح، ۱۳۸۴:ص ۳۴) در مقاله ای دیگر با عنوان "طبیعت و زن" از این مجله که در شماره ی ۱۴ سال سیزدهم، به قلم صادق بروجردی به چاپ رسید، چنین آمد: «بہتر این است کہ زن های ایران ہم مثل زن های ترکیه از این کفن کہ در اسلام بدعتی بیش نیست و اسمش را حجاب گذاشته اند بیرون بیایند و اجتماعات مملکت را دو برابر کنند. یعنی ایرانیان نیم مرده ی کفن پوش خود را جزء زنده ها معرفی کنند و زیاده بنیان نادانی و جهل خود را در تمام روی زمین ثابت نکنند.» (همان:ص ۳۵) این روزنامه تا آبان ۱۳۱۱ ه.ش چاپ می شد و در هر شماره ی این مجله، شعر یا عبارتی، به نام شعار مخصوص درج می شده است. (آرین پور، ۱۳۸۲:ص ۹) مجله ی جمعیت *نسون و طنخواه ایران* در که در ۱۳۰۲ توسط خانم ملوک اسکندری در تهران تأسیس شد از مجلات دیگر در این زمینه بود. این مجله با توجه به مقالاتی که داشت راه را برای اعلام رسمی کشف حجاب باز کرد. مورد جالب اشاره ی این مجله به حجاب به عنوان عاملی برای ازدواج های ناشناخته و ندیده بود و زن ایرانی محصور در حجاب را در مقایسه با زن اروپایی بدبخت معرفی می کرد. (صلاح، ۱۳۸۲:ص ۳۳) اسکندری در دهم بهمن ۱۳۰۱ ه.ش به عنوان مدیر مدرسه ی شماره ی ۳۵ دولتی از جمعی از بانوان برای حضور در جشن امتحانات شاگردان دعوت نمود و در همین مجلس جمعیت *نسون و طنخواه* را تشکیل دادند و مجله ای هم به همین نام دایر کردند. (آرین پور، ۱۳۸۲:ص ۹) حسین کاظم زاده در برلن به مدت ۴ سال یعنی از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۵ش مجله ای تحت عنوان *ایران شهر* چاپ می کرد. این مجله خواهان حق مساوی در ازدواج برای دختر و پسر بود و دلیل ازدواج پسران تحصیل کرده با دختران فرنگی را حجاب دختران ایرانی می دانست. او بسیاری از اعمال قبیح را به حجاب نسبت می داد چون معتقد بود در زیر چادر هر کاری می توان کرد. (همان:ص ۳۷) *کانون بانوان* به دور از مداخله در امور سیاسی و مذهبی شروع به کار کرد و با ایجاد مجالس سخنرانی، نمایش ها، کلوب های ورزشی، کتابخانه و کلاس های اکابر به توسعه فعالیت های زنان پرداخت. مانند بیشتر انجمن های این دوره،

کانون بانوان نیز نسبت به حجاب نظر مثبتی نداشت و برای رفع آن تلاش می‌کرد. کانون علیه کفن سیاه (چادر) به مبارزه پرداخت و در جلسه‌های خود تمام شرکت‌کنندگان را تشویق به حضور بدون حجاب کرد. (فتوحی، ۱۳۸۳: ص ۱۳۰) این مجلات تلاش زیادی را برای فراهم کردن زمینه‌های فکری و اجتماعی به منظور کشف حجاب انجام دادند تا جایی که می‌توان گفت بیش‌ترین تأثیر را داشتند.

### کشف حجاب بر اساس اسناد

شاید اتفاق روز اول فروردین ۱۳۰۶ ش را بتوان اولین اقدام جدی برای فراهم آوردن زمینه‌ی کشف حجاب دانست. هنگام تحویل سال، ملکه مادر و عده‌ای از زنان درباری به آستان حضرت معصومه (ع) می‌روند و در بالای غرفه‌های رواق می‌نشینند. چون حجاب عده‌ای از این خانم‌ها کامل نبوده، یکی از وعاظ به آنها معترض می‌شود و شیخ محمد بافقی نیز دستور می‌دهد که آنان از حرم خارج شوند. با دخالت خدام درگیری پیش نمی‌آید ولی موضوع به شاه گزارش داده می‌شود. در روز ۲ فروردین رضاشاه با جمعی از صاحب‌منصبان قشون و تعدادی زره‌پوش به سمت حرم می‌روند و دستور ضرب و شتم روحانیون را می‌دهد. شیخ محمد بافقی را در حضور شاه چوب زدند و رئیس‌نظمیه قم هم به علت عدم کفایت و از طرفی فرار واعظ شکنجه و زندانی کردند. (عاقلی، ۱۳۷۶: ص ۲۱۸) البته زنان درباری فقط روبند خود را برداشته بودند که بی‌حجابی تلقی می‌شد. (واحد، ۱۳۶۶: ص ۲۹) این اقدام رضاشاه به نوعی زمینه‌ساز اقدامات سختگیرانه‌ی بعدی او شد. ملکه توران نیز در جریان کشف حجاب و فراهم آوردن زمینه لازم برای اجرای آن می‌نویسد: «اعلیحضرت به واسطه‌ی آن که به ترکیه رفته و پیشرفت آن‌ها را دیده و هماهنگی زن‌های آنجا را با مردهاشان به واسطه‌ی رفع حجاب دیده بود، بدین کار تمایل داشت و همچنین علیا حضرت هم که چهار ماه در سوئیس بود تا اندازه‌ای به برداشتن چادر و آزادی معتاد و میل داشت هرچه زودتر این موضوع عملی شود. شهادت‌ها نیز که از همان موقع که از سوئیس برگشتند دیگر چادر به سر نکردند. (رستمی، ۱۳۸۴: ص ۳۷) در سندی به تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۱۴ ش یعنی کم‌تر از یک ماه مانده به اعلان رسمی کشف حجاب دستوراتی مبنی بر آماده‌سازی جامعه برای پذیرش برداشتن حجاب آمده است: «آقای رئیس معارف و اوقاف - این معنی واضح و مشهود است، سالیان دراز طبقه نسوان که نصف اهالی مملکت را تشکیل می‌دهند در نتیجه جهل و نادانی از شاهراه علم و معرفت دور مانده و اسیر دست خرافات و اوهام می‌باشند و به همین واسطه حکم عضو فلج را

در جسد اجتماعی حاصل می نموده اند که به هیچ وجه برای مصالح زندگانی و اخلاقی مفید و مؤثر واقع نمی شوند... برای حصول به این نیت خیر، وزارت معارف پروگرام منظم و معینی را تعقیب می نماید... تا این که عملیات معارف در حوزه ی مأموریت شما منطبق این پروگرام باشد و از هرگونه افراط و تفریط خودداری شود. اولاً نسبت به اطفال خردسال از هذاه السنه در نظر گرفته شده که مدارس ابتدایی مختلطی در تمام مملکت به نام کودکانستان تشکیل گردد که در آنجا نوباوگان کشور از پسر و دختر تابع یک دستور واحد تربیت شوند... ثانیاً اطفال دبستان ها و دبیرستان ها را به لباس ساده پوشیدن عادت داده و از زیور و زینت که باعث مضرات عظیم اجتماعی است، منع نمائید و سعی کنید که بلا استثناء دختران دبستان ها و دبیرستان ها، متحدالشکل که دستور آن داده شده مرتب بپوشند. به طوری که دختران اغنیا را بر فقرا هیچ گونه مجال تفاخر و خودفروشی نماند و همگی به سادگی و نظافت و پاکیزگی عادت و خو نمایند... ثالثاً نسبت به سایر خانمها دو اقدام باید به عمل آورد، اول آن که برای تربیت این طبقه از نسوان در دبیرستان یا دبستان نسوان حوزه مأموریت خود مجالس کنفرانس مخصوص خانمها تشکیل بدهید که در آنجا خانمهای معلمه با لباس متحدالشکل حاضر شده و از سایر بانوان اصیل دعوت نمائید که با شوهران خود در این مجالس حاضر شده و از مقالات و خطابه های علمی یا اخلاقی یا اجتماعی استفاده نمایند. ... مخصوصاً باید سعی نمائید گوشزد نمائید لباسی که امروزه نسوان عالم می پوشند همان لباسی است که از قدیم الایام در مملکت ایران معمول و تا دو قرن بعد از اسلام نیز متداول بوده است... و باید که صورت و کفین باز و گشاده باشد [مانند حج و نماز]... (اسناد محرمانه کشف حجاب: ص ۴-۲) البته مسائلی نیز وجود داشت که سبب به تأخیر افتادن اعلان رسمی کشف حجاب شد. یکی از این مسائل قیام مردم افغانستان بود. صلاح ذکر می کند بازدید امان الله خان و ملکه اش سوریا (با بد حجابی) از ایران با مخالفت روحانیون مواجه شد و از شاه خواستند تا به ملکه تذکر دهد تا هنگامی که در ایران است از حجاب استفاده کند ولی شاه نپذیرفت و در همین موقع افکار عمومی اعلام کشف حجاب را قطعی می دانستند، ولی قیام مردم افغانستان در برابر امان الله خان در ۱۹۱۹م موجب شد این قضیه مسکوت بماند. سفر شاه به ترکیه دوباره این زمزمه را به راه انداخت ولی باز قیام گوهر شاد پیش آمد. (صلاح، ۱۳۸۴: ص ۱۲۹) به گفته ی منابع موجود، سرکوبی قیام مردم در مسجد گوهر شاد، روند رسمیت یافتن کشف حجاب را تسریع کرد. بر طبق برنامه های پیش بینی شده رضاشاه قصد داشت در بهار ۱۳۱۵ ش رسمیت کشف حجاب را اعلام کند، ولی با وقوع قیام

گوهر شاد این امر را به جلو افکند. هدف رضاشاه آن بود که در مقابل مردم قدرت نمایی کند تا مرعوب شوند و از مخالفت دست بردارند. (بصیرت منش، ۱۳۷۶:ص ۱۹۳)

### دستور کشف حجاب

تاریخ ایران در ۱۷ دیماه ۱۳۱۴، با برگزاری جشنی در دانشسرای عالی و شرکت شاه و همسر و دختران و اعلان موضوع کشف حجاب دچار تغییرات بزرگی شد. البته همان طور که اشاره شد زمینه‌های این اقدام از خیلی قبل تر فراهم آمده بود مثل پوشش دانش آموزان دختر. از آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۳ ش به سرکردن چادر برای دانش‌آموزان دختر ممنوع شد و مقرر گردید همه دانش‌آموزان دختر روپوش بر تن کنند (صدیق، ۱۳۳۸:ص ۳۰۶). ولی اعلان رسمی به روز ۱۷ دی بر می‌گردد. جزئیات مراسم آن روز به شرح زیر بود: «سه ساعت بعد از ظهر روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ موکب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و موکب علیا حضرت ملکه پهلوی و والا حضرتین شاهدخت برای افتتاح دانشسرای مقدماتی و اعطای دانشنامه‌های محصلات طب و قابلگی به عمارت جدید دانشسرای مقدماتی نزول اجلال فرمودند. حضور علیا حضرت ملکه پهلوی و والا حضرتین شاهدخت در مراسم افتتاح، فصل تازه‌ای در تاریخ جدید ایران و مرحله‌ی نوینی در دوره‌ی حیات اجتماعی کشور ما می‌باشد و این اقدام شاهانه نمونه‌ی عینی است از نیت بلند و علو قدر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در ایجاد تساوی مقام زن و مرد و رفع حجاب و نشر علم و معرفت و سرمشق عملی است برای کسانی که سالیان دراز آرزومند چنین روز فرخنده بودند و اینک آرزوی خود را با این اقدام شاهانه برآورده می‌بینند. پس از آنکه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و [خانواده] در سالن پذیرایی دانشسرای مقدماتی قرار گرفتند جناب آقای سمیعی رئیس تشریفات سلطنتی خانم‌های وزرا را حضور اعلیحضرت و [خانواده] معرفی نمودند و در این سالن دفتر یادگار این روز تاریخی به امضا ملوکانه و [خانواده] موشح گردید. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در تالار محصلین خطاب به فارغ‌التحصیل‌های دانشکده‌ها و دبیرستان‌ها و دانشسراها بیانات شاهانه ذیل را فرمودند: «دو مطلب را می‌خواهم به فرزندان خود گوشزد نمایم، اولاً باید دانش‌آموزها همیشه در صدد ترقی و تعالی خود باشند و این امر برای آنها طبیعی است و پیشرفت و ترقی آنان، ترقی و تعالی کشور خواهد بود. زیرا سعادت افراد است که سعادت جامعه را فراهم می‌کند. می‌خواهم خاطر نشان کنم که خودتان را دوست داشته باشید و مقصود از دوست داشتن خود این نیست که استفاده‌ی شخصی را منظور نظر قرار دهید بلکه منظور این است که به خودتان

احترام بگذارید. عزت نفس و مناعت طبع داشته باشید، خود را پست و حقیر نشمارید و فکر کنید که همیشه شما بزرگ بوده و خودتان بزرگ هستید و می توانید واجد عظمت باشید. مطلب دوم که به مراتب از مطلب اول مهمتر است و فعلا فرصت بیان دلایل اهمیت آن نیست این است که سعادت میهن و کشور باید نصب العین شما باشد علاقه و دلبستگی فوق العاده به کشور خود داشته باشید. علاقه و دلبستگی شما نباید از لحاظ مال و منال و ترقی باشد که در کشور خود دارید زیرا مافوق تمام این مسایل، شرافتی وجود دارد که برای شخص از علاقه به وطن حاصل می شود...» و نیز اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در تالار دوشیزگان و خانمهای آموزگار بیانات ذیل را فرمودند: «بی نهایت مسرورم که می بینم خانمها در نتیجه دانایی و معرفت به وضعیت خود آشنا شده و پی به حقوق و مزایای خود برده اند. زن های این کشور به واسطه ی خارج بودن از اجتماع نمی توانستند استعداد و لیاقت ذاتی خود را بروز دهند بلکه باید بگویم که نمی توانستند حق خود را نسبت به کشور و میهن عزیز خود ادا نمایند و بالاخره خدمات و فداکاری خود را آن طور که شایسته است انجام دهند و حالا می خواهند علاوه بر وظیفه ی برجسته ی مادری که دارا می باشند از مزایای دیگر اجتماع هم بهره مند گردند. ما نباید از نظر دور بداریم که نصف جمعیت کشور ما به حساب نمی آمد یعنی نصف قوای عامله ی مملکت بیکار بود. هیچ وقت احصائیه از زن ها برداشته نمی شد مثل این که زن ها یک افراد دیگری بودند و جزء جمعیت ایران بشمار نمی آمدند خیلی جای تأسف است که فقط یک مورد ممکن بود از زنان احصائیه برداشته شود و آن موقعی بود که وضعیت ارزاق در مضیقه افتاد و در آن موقع سرشماری می کردند و می خواستند تأمین آذوقه نمایند.... شما خانم ها باید این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصت هایی که دارید برای ترقی کشور استفاده نمائید، ... شما خواهران و دختران من حالا که وارد اجتماع شده اید و قدم برای سعادت خود و وطن خود بیرون گذارده اید بدانید وظیفه شماست که باید در راه وطن خود کار کنید. سعادت آتیه در دست شماست، شما تربیت کننده ی نسل آتیه خواهید بود و شما هستید که می توانید آموزگاران خوبی باشید و افراد خوبی از زیر دست شما بیرون بیایند. انتظار من از شما خانمهای دانشمند در این موقع که می روید به حقوق و مزایای خود آگاه شوید و خدمت را به کشور انجام دهید این است که در زندگی قانع باشید و کار نمائید، به اقتصاد و صرفه جویی در زندگانی عادت نمائید از تجمل و اسراف بپرهیزید.» روز ۱۷ دی ماه را باید تاریخ اصلاح اجتماعی زنان ایران دانست.(سند

۵۴:ص ۴-۱۳۲) بدین ترتیب ایران پس از ترکیه دومین کشور مسلمانی بود که رسماً حجاب سنتی را ممنوع ساخت. (آرین پور، ۱۳۸۲:ص ۱۳)

### انعکاس کشف حجاب

اعلان رسمی کشف حجاب عکس‌العمل‌های متفاوتی در پی داشت. اگر این واقعه را بدعتی آشکار در تاریخ ایران برانیم سخن به گزاف نگفتیم. حسین مکی به نقل از حسینقلی مستعان که سردبیر روزنامه ی ایران بود و حوادث مقارن با ۱۷ دی را از نگاه یک روزنامه نگار برای مجله روشنفکر در ۱۴ دی ۱۳۴۰ تحریر کرده است، این گونه می نویسد: « بسیاری از فامیل‌ها برای این که زن‌هایشان از حجاب بیرون نیایند از مملکت مهاجرت کردند. عده ای می گفتند انقلاب و خونریزی می شود. جمعی معتقد بودند دیگر هیچ کس نباید زن بگیرد. مردان متدین قسم خوردند علیه بی‌حجابی کفن می پوشند و با دولت جهاد می کنند. عده ای از حاجی‌ها زنشان را طلاق دادند.» (مکی، ۱۳۷۴:ص ۳۱۵) از تغییر رفتار بانوان نیز چنین نوشته شده: « دو روز پیش از آن تاریخ ... باد دیمه در وسط لاله زار چادر خانمی را بلند کرد. این زن که لباس سنگینی هم داشت چنان خودش را به زمین انداخت و چنان هول و هراس و آشفتگی برای پائین آوردن چادرش و پوشاندن تنش به کار برد که خیال کردم سخته اش خواهد زد، همان خانم دو روز بعد بی‌چادر در مجلس جشن حضور یافته بود. (همان:ص ۳۱۶) اما در طبقات روشنفکر و بین‌خانم‌هایی که از مدت‌ها پیش انجمن‌ها و محافلی داشتند و مقدمات امر را به تدریج فراهم می‌آوردند شور و نشاطی عجیب وجود داشت. هرگز دست یافتن بر یک نعمت بزرگ یا احراز یک پیروزی درخشان اینقدر ذوق و طرب به وجود نمی‌آورد، این برای همه این افراد بالاتر از یک نعمت و درخشان‌تر از یک پیروزی بود. (همان:ص ۳۱۷) شمیم معتقد است ناآرامی‌های ۱۵-۱۳۱۴ به علت کشف حجاب زنان و ترویج کلاه بین‌المللی آغاز شده بود. (شمیم، ۱۳۹۱:ص ۱۸۹) بسیاری از زنان پس از ۱۷ دی ۱۳۱۴ اش مجبور شدند ماهها از خانه خارج نشوند و جمعی دختران خود را از مدرسه خارج کردند و تغییر لباس اجباری در شهرها و مناطق مختلف با مخالفت جدی روبرو گردید. این تصمیم ناگهانی گاهی در عین تأسف آور بودن جنبه‌ی مضحکی به خود می‌گرفت که حکایت از غیر عملی بودن این اقدام داشت. (رستمی، ۱۳۸۴:ص ۳۹) البته گزارش‌های مختلف از نقاط مختلف ایران وجود دارد که نشان از ناکارآمدی اقدامات برای کشف حجاب و لباس متحدالشکل دارد. به طور مثال در گزارشی آمده که آخوندهای حکم‌آباد از ولایات خراسان لباس آخوندی به تن دارند و زن‌ها در چادر و سایر

اشخاص با لباس قدیمی خود هستند به طوری که اگر شخصی به محل مزبور وارد شود، گمان می کند اهالی آنجا ایرانی نیستند. (سند ۷۴، اسناد رضا پهلوی). با وجود این که متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در تمام کشور عملی شده، معذالک طبق گزارش های رسیده از شهرستان ها غالباً در کوچه و بازار زن ها با چادر نماز و گاهی هم با چادر سیاه دیده می شوند. چون این ترتیب بر خلاف سیاست دولت است، قدغن نمائید. شهربانی به نحو مقتضی جلوگیری نموده متخلفین را به دادگاه خلاف جلب نماید. نتیجه اقدامات را نیز اطلاع دهید. (رستمی، ۱۳۸۴: ص ۴۰-۳۹) با توجه به پیشرفت کند و اجباری رفع حجاب روز به روز عرصه بر مردم تنگ تر می شد و شیوه های دیگری برای اجرای هرچه سریعتر تغییر لباس صورت می پذیرفت. از جمله جلوگیری از ورود زن های باچادر و چارقد به حمام ها بود. گزارشی از حکومت کاشمر به ایالت خراسان چنین می گوید: « به وسیله ی شهرداری از حمام های زنانه التزام گرفته شد، که هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند و در صورتی که زنی با چارقد برود به او اخطار کنند که بار دیگر چارقد را ترک و با کلاه برود و اگر بار دیگر با چارقد به حمام رفت اسم او و شوهرش را راپرت دهند. از لحاظ این که مبادا حمامی ها در اجرای التزام خود مراقبت نکنند، مأمورینی به طور محرمانه گماشته شد که وضعیت خانمها و مراقبت حمامی را اطلاع دادند. اداره ی شهربانی به بازار و خیابان پاسبان گماشته و به خانمهایی که چارقد دارند اخطار می کند که چارقد را ترک نمایند ولی همین قدر که دور شدند به استعمال چارقد مبادرت می ورزند. در گاراژهایی که در شهر است، التزام گرفته شد که زن های با چارقد سوار نکنند.» (سند شماره ۷۲) به علت منع ورود زنان با حجاب به حمام ها بسیاری از خانه ها اقدام به ساخت حمام داخل منزل خود نمودند. (استاد ملک، ۱۳۶۷: ص ۱۴۲) بلافاصله بعد از مراسم ۱۷ دی در تهران دو مسأله پیش آمد: ۱- هجوم زن های معلوم الحال به کافه ها و رقص خانه ها و ۲- بدرفتاری مأمورین شهربانی و پلیس ها با زنان با حجاب و برداشتن نقاب از چهره ی آنان. (صلاح، ۱۳۸۴: ص ۴۶) البته بعد از این گزارش نسبت به بستن رقص خانه ها اقدام شد. (حکمت، ۱۳۵۵: ص ۹۸) روز ۱۸ دیماه تمام مجلات و روزنامه ها در تهران و شهرستان ها، سرمقاله های خود را به موضوع رفع حجاب اختصاص دادند و عمل شاه را یک نقطه ی عطف در تاریخ زنان دانستند. از جشن ها و مهمانی های مختلط عکس و مطلب چاپ می کردند. اجناس خارجی زنانه در روزنامه ها تبلیغ می شد. (استاد ملک، ۱۳۶۷: ص ۱۳۷) همچنین در این روز علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف به پاس اقدامات خود در مورد روز ۱۷ دی به مقام وزارت ارتقا

یافت. (عاقلی، ۱۳۷۶:ص ۲۹۲) حکمت در خاطرات خود چنین می‌نویسد: « این همه ترقیات که زنان ایرانی از حیث تربیت و تعلیم و مساوات حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی این زمان همایون عنایت شاهنشاه آریا مهر حاصل کرده اند همه مرهون روز مبارک ۱۷ دی ۱۳۱۴ می باشد که در آن روز به پشتیبانی و امر شاهنشاه پهلوی ورقی تازه در تاریخ کشور ما گشوده شد. (حکمت، ۱۳۵۵:ص ۸۱) پس از اعلام رسمی کشف حجاب در تهران، مخالفت شدیدی در میان مذهبیین و محافظه کاران ابراز گردید. در شهرهای مذهبی چون مشهد مردم در صحن ائمه و امامزادگان تحصن کردند. مردم به مساجد پناه بردند و مسجد به توپ بسته شد و عده ای کشته شدند. در مشهد اسدی تولیت حرم اعدام شد و فروغی نخست وزیر وقت از کار برکنار شد. (استاد ملک، ۱۳۶۷:ص ۱۴۰) پس از این که پلیس اجازه یافت روسری را از سر زنانی که با لباس بلند و روسری در خیابان‌ها رفت و آمد می کردند، بردارد بسیاری از زنان خانه نشین شدند و فقط شب‌ها رفت و آمد می کردند و برای عده ای این وضعیت تا رفتن رضاشاه ادامه داشت. (همان، ص: ۱۴۲) در اسناد بعد از اعلام رسمی کشف حجاب به قوانینی چون منع ورود زنان با حجاب به اماکن تفریحی مانند سینما، تئاتر، کافه و غیره صحبت شده است. (سند ۵۶:ص ۱۴۴) و یا به لزوم حضور زنان افسران در مهمانی‌ها و بعد از خروج از مهمانی بدون حجاب دستور داده شد. (سند ۵۷ و ۵۸ و ۵۹:ص ۷-۱۴۵) نکته ی جالب توجه دیگر در زمینه ی وضعیت زنان با پوشش جدید بود. زمین خوردن، پا پیچ خوردن، تنه‌های غیر ارادی زدن، افتادن کلاه از سر و کیف از دست و از آن جالب تر ریخت‌ها، آرایش‌ها، لباس‌ها، روسری‌ها، کلاه‌ها و باز از آن تماشایی تر قیافه‌های عده ای از مردان بود که ناچار شده بودند خانمشان را بی حجاب بیاورند و خودشان پیش از خانمشان آشفته، ناراحت و نامرتب بودند. اگر خبرنگارهای عکاسی امروزی آن روز هم می بودند و عکس‌های روشن از گوشه‌های مختلف و از افراد و زن و شوهرهایی که با هم در مجالس شرکت می کردند، بر می داشتند، جالب ترین و مضحک ترین مجموعه‌های لباس و آرایش زنان دنیا را فراهم آورده بودند. (مکی، ۱۳۷۴:ص ۳۱۸)

### پیامدهای کشف حجاب

۱- اولین و مشخص ترین پیامد را می‌توان بیرون آمدن زنان از خانه‌ها و ورود ایشان به اجتماع دانست. راهیابی دختران به مدارس ابتدایی و دانشسراها و ورود زنان به بازار کار را می‌توان در همین راستا دانست. در واقع زنان در صنایع و کارهای بهداشتی درمانی مانند پرستاری حضور گسترده ای داشتند و با این امر در پیشرفت بهداشت عمومی جامعه و خانواده ی خود مؤثر واقع



شدند. در مشاغل آموزشی نیز به عنوان آموزگار مشغول به خدمت شدند و در واقع علاوه بر نقش مادری در تربیت نسل آینده مفید واقع شدند. ۲- در جریان کشف حجاب توجه به الگوی لباس پوشیدن زنان غربی رونق زیادی یافت و این قضیه از لحاظ اقتصادی موجب ضرر کشور بود. درست برعکس دوره ی مشروطه که استفاده از کالاهای داخلی مورد توجه بود. شعار ساده زیستن و ساده پوشیدن که هدف بنیانگذاران کشف حجاب بود فراموش شد. (صلاح، ۱۳۸۴: ص ۸۹) از طرفی افراط در شیوه ی پوشش و وجود نوعی رقابت پنهان در بین بانوان در عرصه ی مد سبب بروز مشکلاتی شده بود. لباس صبح، لباس ظهر، لباس عصر، لباس شب، کفش و جوراب و کلاه هم‌رنگ دامن (هدایت، ۱۳۸۵: ص ۴۹۳) نمونه هایی بود که در واقع بر تجمل گرایی پس از کشف حجاب افزوده بود. ۳- یکی از پیامدهای مهم کشف حجاب که در خور توجه است، محرومیت بخش بزرگی از بانوانی بود که خود و خانواده ایشان مایل به کسب دانش و حضور در جامعه بودند و با قوانین اجباری کشف حجاب مجبور به خانه نشینی شدند. یعنی کشف حجاب باعث به رسمیت شناختن یک گروه اجتماعی زنان شد و دیگران از جامعه طرد شدند. ته شدند و دیگران طرد شدند. به عنوان مثال، زنان محجبه از سوار شدن بر کالسکه و درشکه و رفتن به در مانگاههای عمومی منع شدند. (صادقی، ۱۳۹۲: ص ۳۲) از طرفی همانطور که در قبل ذکر شد این اقدام منجر به خانه نشینی بسیاری از زنان تا پایان دوره ی رضاشاه شد و در واقع بخشی نیز از سواد و آموزش و بهداشت به نوعی محروم شدند. ۴- کشف حجاب موجب شکاف بین نسل گذشته و نسل جدید شد. چون بر طبق گزارشات نسل جوان از این طرح استقبال کردند و نسل پیش از خود را مرتجع می دانستند و نسل گذشته نیز دختران جوان را بی پروا می دانستند. از طرفی هرچه مربوط به گذشته بود ولو مثبت به دید تجدد گرایی عقب می زدند و از نوگرایی حتی اگر مفید نیز نبود، استقبال می کردند. (صلاح، ۱۳۸۴: ص ۲۲۴) البته این فاصله را در بین خانواده ها نیز می توان مشاهده کرد. چون خانواده های متدین با حضور دختران خود در جامعه به صورت بدون حجاب مخالف بودند ولی خود دختران به این کار تمایل داشتند که این خود سبب پیامد های دیگری بود. خانواده های پدر سالارانه کم کم در حال رنگ باختن بودند و شیوه ی خانواده از گسترده<sup>۵</sup> به هسته ای<sup>۶</sup> تغییر ماهیت داد. ۵-

<sup>۵</sup> خانواده ای است که درون آن چند نسل با هم زندگی می کنند. (ساروخانی، ۱۳۸۱، ۱۳۷)

<sup>۶</sup> خانواده ای است کوچک، متشکل از زن و شوهر و احتمالاً فرزندان. (همان، ۱۴۲)

الزام به استفاده‌ی زنان معروفه از چادر از دیگر پیامدها بود که خود باعث برهم خوردن نظم اجتماعی شد. برای این که زنان بدکاره از دیگر زنان جامعه تمیز داده شوند استفاده از چادر برای ایشان اجباری شد. در یک مورد تخلف از این دستور چندین سند وجود دارد که حکایت از سخت‌گیری دولت در این زمینه دارد. «راجع به رفع حجاب و زندهای معروفه و عدم حق ورود آنها در مجامع نسوان و خانواده‌های نجیب و ورود بدون حجاب نصرت نام معروفه به اتفاق ستوان یکم شاهرخی در سینما از اداره‌ی کل شهربانی رسیده است که سواد آن لفظاً ایفاد می‌شود. مقتضی است قدغن فرمائید. (سند ۸۸ و ۸۹: ص ۲۱۹ و ۲۲۱) این دستور که به منظور از بین رفتن حرمت چادر داده شده بود نیز به نارضایتی افراد متعصب انجامید و در مورد پوشیدن چادر برای زنان معروفه به اندازه‌ی رفع حجاب برای سایر بانوان سختگیری وجود داشت تا شاید نشان داده شود که پوشش نشانه‌ی پاکدامنی و نجابت نیست. در واقع این امر سبب واژگونی و به هم ریختگی در نظام اجتماعی شد یعنی حجاب و زن محجبه که روزی از ارزش اجتماعی بالایی برخوردار بود به پائین‌ترین رتبه‌ی ارزشی جامعه رانده شد. ۶- نکته‌ی مهم دیگر این بود که داشتن حجاب با دینداری و نبود آن با بی‌دینی برابر می‌شد و این امر سبب مخالفت مردم دین‌دار با این مسأله شده بود. این امر نیز در ایجاد شکاف بین مردم موثر بود و به نوعی نفاق و بی‌نظمی منجر شده بود. برخی از مردم معتقد بودند از آن جایی که در آخرالزمان سلسله مراتب قدیمی واژگون می‌شوند، کشف حجاب نشانه‌ی فرارسیدن آخرالزمان است. (صادقی، ۱۳۹۲: ص ۵۱) ۷- اگر به تاریخ اعلام دستور کشف حجاب و شیوه‌ی پوشش زنان نظری بیندازیم به نظر پژوهشگر با توجه به سردی هوا و الزام به استفاده از کلاه، کشف حجاب مروج بی‌بندوباری و بی‌عفتی نبود. برخی معتقدند که همین کشف حجاب زمینه‌ساز از هم گسیختگی روابط خانوادگی شد. به نظر نمی‌رسد که کشف حجاب به تنهایی سبب بروز این مشکل شده باشد. تحصیل بانوان، ورود به عرصه‌ی شغلی و استقلال مالی از جمله اموری بود که شاید چون به آگاهی زنان منجر شد، به مشکلات خانوادگی بیش‌تر دامن زد. صلاح، عواملی چون سست شدن بنیان خانواده، پیوندهای زناشویی، افزایش میزان طلاق، گسترش فحشا و بی‌بند و باری، عدم مسئولیت‌پذیری، بحران‌های اخلاقی و روانی، از بین رفتن امنیت ناموسی در اجتماع به واسطه‌ی جنایات عشقی و جنسی را از پیامدهای کشف حجاب می‌داند. (صلاح، ۱۳۸۴: ص ۲۲۵) البته نمی‌توان تمام این بحران‌ها را صرفاً به پدیده‌ی کشف حجاب نسبت داد و تغییرات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی این دوره را نیز باید مد نظر داشت. ۸- نکته‌ی

قابل توجه دیگر تاثیر کشف حجاب و پیامدهای آن بر زنان شهرنشین است. زیرا زنان در روستا به علت کار در مزرعه و مشارکت در تامین معیشت خانواده از محدودیت های زنان شهری برخوردار نبودند. حتی با نگاهی به سفرنامه ها نیز می توان فهمید که حجاب هم بیش تر مختص جوامع شهری است. دلاواله در سفرنامه ی خود می نویسد: «زنان و مردان مازندران دارای چشم و ابروی سیاه و موی مشکی هستند و زنان در نظر من زیبا جلوه می کنند، چون برعکس زنان مسلمان دیگر چهره ی خود را نمی پوشانند.» (دلاواله، ۱۳۹۰، ۱۳۳) در واقع سیاست تجدد طلبانه ی دولت تأثیری در وضعیت زنان روستایی نداشت. البته لازم به ذکر است که زنان روستا و عشایر هیچ گاه از حجاب چادر و روبنده استفاده نمی کردند چون شرایط زندگی و شیوه ی معیشتی آنان اجازه ی این گونه پوشش را به ایشان نمی داد و در واقع این زنان شهری بودند که از قانون کشف حجاب بیش ترین تأثیرات را پذیرفتند و پا به عرصه ی اجتماع و کسب و کار گذاشتند. تاج السلطنه در خاطرات خود می نویسد: «در مسافرت تبریز در تمام عرض راه و دهات، زن و مرد را با یکدیگر بدون حجاب مشغول کار می دیدم.» (تاج السلطنه، ۱۳۶۱: ص ۱۴) - ۹ دیگر پیامد مهم کشف حجاب اجحاف در حق زنان در امور شغلی بود. چون دولت نیروی کار فراوانی را به دست آورد که با توجه به مطالبی که گذشت، دستمزدی به مراتب کمتر دریافت می کردند، پس نیروی کار زیاد و ارزان موهبتی بود که به واسطه ی رفع حجاب و حضور زن در اجتماع نصیب دولت شد که البته این مسأله در پیش برد توسعه ای کشور نیز تأثیر بسزایی داشت. همانطور که در سخنان رضاشاه و سایرین به کرات به این مطلب اشاره می شود که نیمی از جمعیت فعال کشور منفعل مانده اند و لزوم استفاده از این نیرو مرتب گوشزد می شود. از طرفی به قول راوندی خاندان پهلوی به جای آزادی دان به زنان در تشکیل مجامع و اتحادیه ها و بحث و گفتگوی آزاد فقط به کشف حجاب پرداختند و به همین علت آزادی زنان در ایران چنان که باید ریشه و بنیان اجتماعی پیدا نکرد. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۶: ص ۱۹۸) تاج السلطنه نیز در خاطرات خود می نویسد: «خرابی مملکت و بی عصمتی و عدم پیشرفت تمام کارها، حجاب زن است. در مملکتی که دو ثلث آن بیکار در خانه بمانند، یک ثلث دیگر تا می تواند باید اسباب آسایش و خوراک و پوشش دو ثلث دیگر را فراهم کند. ناچار به امورات مملکتی و ترقی وطن نمی توانند پرداخت. حال، اگر این دو ثلث معنا با یکدیگر مشغول کار بودند، البته دو برابر بهتر مملکت ترقی کرده، صاحب ثروت می شدند.» (تاج السلطنه، ۱۳۶۱: ص ۱۰۱) البته یک باور عمومی وجود دارد که کار برای مرد با اهمیت تر از زنان است و مردان به جهت وظیفه ای که در

تأمین معاش خانواده دارند، باید دستمزد بیش تری دریافت کنند و از امنیت شغلی بیش تری برخوردار باشند. (آبوت، ۱۳۸۱:ص ۱۷۳) در ایران هم تأمین معاش بر عهده ی مردان بود و همین امر خود سبب تفاوت دستمزد بین زن و مرد بوده است. ۱۰- در امور حقوقی زنان پس از قانون کشف حجاب تغییری صورت نپذیرفت و فقط در بعضی از قوانین مربوط به زنان مانند ازدواج و طلاق و نظیر آن اصلاحاتی صورت گرفت و کمی باعث تغییر وضعیت زنان شد، به عنوان مثال براساس قانون مصوب بیست و یکم تیر ۱۳۱۰ ه.ش زنان اجازه یافتند در موارد خاصی درخواست طلاق نمایند (آوری، ۱۳۷۱:ص ۵۸) ولی هنوز هم زنان در مسایل سیاسی جایگاهی نداشتند و بیشش تر اصلاحات زمینه های اجتماعی را در بر می گرفت تا سیاسی که می توان به عدم حق رأی آنان در دوره ی رضاشاه اشاره نمود. ۱۱- یکی از پیامدهای دیگر که آن را در قالب ایراد به شیوه ی اجرای کشف حجاب می توان عنوان کرد، ایجاد رعب و وحشت و اجبار در برداشتن حجاب بود که به نظر این طرح را با شکست نسبی روبرو کرد. تبدیل وضعیت شهرها به حالت امنیتی، خوشایند نبود. در واقع رضاشاه علاوه بر این که خود شخصیتی نظامی داشت، در دوره ی حکومت خود نیز همواره بر نظامیان تکیه داشت و به مدد آنان تمامی مقاصد خود را عملی می کرد. (فلاح زاده، ۱۳۹۱:ص ۱۳۵) آبراهامیان معتقد است دولت پهلوی، از لحاظ داشتن وسایل اجبار و زورگویی قدرتمند بود ولی از لحاظ این که نتوانست وسایل و نهادهای اجبار را بر ساختار طبقاتی و پایگاه اجتماعی مبتنی کند، ضعیف بود. (آبراهامیان، ۱۳۹۱:ص ۱۸۶) این نظریه ی آبراهامیان بسیار درست است و نهادینه نشدن اصلاحات بر ساختار جامعه نقطه ی ضعف این اقدام بود. ۱۳- از پیامدهای مثبت کشف حجاب می شود به رونق برخی از مشاغل اشاره کرد. مشاغلی چون آموزگاری، خیاطی، آرایشگری، پارچه فروشی و فروش لوازم آرایش در این زمره قرار می گیرند. چنانچه در خاطرات عین السلطنه چنین آمده: «عصر گردش رفتیم خیابان لاله زار که فعلاً "شانزه لیزه" تهران ماست. جمعیت خیلی زیاد بود. زن زیاد بود. مغازه و دکان زیادتر شده بود.» (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۵:ص ۳۸۱۱) ۱۴- از مهم ترین مسائلی که در جریان کشف حجاب باید مد نظر ویژه قرار داد، شکافی است که در بین زنان روشنفکر به وجود آمد. بسیاری از زنانی که خواهان تغییرات، حق تحصیل، برابری زن و مرد، حق اشتغال و ... بودند با کشف حجاب موافق نبودند و همین مساله اجماع در این مورد را بین ایشان ضعیف کرده بود و این خود در گسستگی تلاش برای جنبش های موافق حقوق زنان موثر بود.

### نتیجه گیری

رضاشاه را می توان نخستین پادشاهی دانست که توجه ویژه ای به زنان و ارتقاء همه جانبه ی ایشان نمود. البته با توجه به مطالبی که آمد و مدل تحلیل نظری این پژوهش نمی توان مطمئن بود که اقدامات او فقط برای رفاه و موفقیت بانوان بوده باشد. در واقع بخشی از کارهایی که رضاشاه انجام داد برای کشوری که قدم در راه صنعتی شدن می گذاشت، اجتناب ناپذیر بود. رضاشاه با حکومت الیگارشی خود سعی داشت با زور و ارعاب از نیروی خاموش و بالقوه ی زنان استفاده کرده و آن را بالفعل نماید. اجبار به کشف حجاب در زمره ی همین ادعا قرار می گیرد. اقدامات او در جهت پدید آوردن زمینه ی مساعد جهت آموزش، اشتغال زنان، تهیه شناسنامه و تذکره ی جدا برای بانوان، اعزام دانشجویان زن به اروپا و ... را می توان مثبت ارزیابی کرد. به نظر نویسندگان تفاوتی نمی کند که این افکار از چه طریق بر ذهن و عمل او سایه افکنده، خواه از طریق تبلیغات مجلات و روشنفکران فرنگ رفته و خواه از مسافرت خود او به ترکیه و تأثیر اصلاحات مصطفی کمال آتا تورک بر او. مهم تغییری است که در شیوه ی نگرش او به زنان در مقایسه با پیشینیان او پدید آمد. واقعه کشف حجاب به نظر پژوهشگر نقطه ی ضعف اقدامات او به حساب می آید، نه از نقطه نظر تصمیم، بلکه از نظر شیوه ی اجرا. شیوه ی پوشش زنان با چادر و پیچه و روبند مشکلاتی را هم برای جامعه و هم برای حضور خود زنان در جامعه به وجود می آورد. بزرگترین مشکل این بود که درسایه ی روبنده می توانست فجایع زیادی صورت بگیرد و تشخیص زن و مرد بسیار دشوار می نمود. از طرف دیگر این نوع پوشش آزادی عمل و توان فیزیکی زنان را در مورد اشتغال محدود می کرد. اما شیوه ی اجباری این کار سبب نارضایتی و خانه نشینی بخش بزرگی از جامعه ی بانوان شد، که بسیاری از ایشان علاقمند حضور در جامعه بودند. حتی شیوه ای که رضاشاه برای بیرون آمدن زنان و عدم استفاده از چادر و استفاده از پوششی معین اتخاذ کرده بود نیز منافاتی با اسلام و قرآن نداشت ولی با گذر زمان افراط و تفریط ها سبب به بیراهه رفتن این اقدام شد. البته تأثیر تبلیغات و تغییر در اوضاع جهانی و آشنایی بیش تر مردم با حوادث جهان را نیز نمی توان از نظر دور داشت. مهم ترین تأثیری که در مقوله ی کشف حجاب پدید آمد و اتفاقاً رضاشاه را به هدفش که نوسازی و توسعه ی جامعه با هزینه ی کم بود رساند، استفاده از حضور فیزیکی و اقتصادی زنان بود. زنان توانستند به خیلی از شرایطی که مد نظر داشتند دست یابند و این خرسندشان می نمود. ولی در بسیاری از موارد مورد اجحاف قرار گرفتند مانند کار برابر با مردان و حقوق کمتر از

ایشان. کشف حجاب اجباری بیشتر پروژه‌ای برای ایجاد یک "دولت-ملت" مبتنی بر نظم و انضباط ارتشی بود که در آن زنان و مردان بخشی از ارتش بزرگ ملت را تشکیل می‌دادند. مدرنیزاسیون رضاشاهی برای زنان بحث انتخاب در نقش را به همراه نداشت. مثلا کانون بانوان نقش‌های سنتی زنان یعنی مادری و همسری را نفی نمی‌کرد بلکه بر بازنمایی مدرن آن‌ها تاکید داشت. یعنی به نوعی مادر و همسری مدرن ترویج می‌شد که مورد علاقه و پسند مرد بود، آداب معاشرت را خوب می‌شناخت، خوش لباس و مدیر و صرفه جو بود. در واقع آن چه که در این دوران مهم است نمادسازی از زن به عنوان نماد مدرنیزاسیون رضاشاهی است.

## منابع

### الف- کتب

۱. ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، اطلاعات، تهران، چاپ هفتم.
۲. استاد ملک، فاطمی، ۱۳۶۷، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، عطایی، چاپ اول.
۳. آبادیان و صفری، حسین و زهره، مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره ی مشروطه تا سلطنت رضا شاه، جستارهای تاریخی، سال پنجم، شماره ی دوم، پاییز و زمستان ۹۳.
۴. آبراهامیان، پروانه، ۱۳۹۱، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی، چاپ نوزدهم.
۵. آبوت، پاملا و کلر والاس، ۱۳۸۱:صص جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نی، چاپ دوم.
۶. آرین پور، یحیی، ۱۳۸۲، از نیما تا روزگار ما، تهران، زوار، جلد سوم، چاپ چهارم.
۷. آوری، پیترو، ۱۳۷۱، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، چاپ دوم.
۸. بصیرت منش، حمید، روند کشف حجاب و واکنش روحانیون، تاریخ معاصر ایران، شماره ۲، تابستان ۷۶.

۹. پاپلی یزدی و دژم خوی، لیلا و مریم، ۱۳۹۷، باستان شناسی سیاست های جنسی و جنسیتی، معاصر، تهران.
۱۰. تاج السلطنه، ۱۳۶۱، خاطرات تاج السلطنه، تهران، تاریخ ایران، چاپ اول.
۱۱. تاورنیه، ۱۳۶۶، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، سنایی، اصفهان.
۱۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت ارشاد.
۱۳. تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۷۹، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول.
۱۴. توسلی، غلام عباس، ۱۳۷۹، نظریه های جامعه شناسی، سمت، تهران، چاپ هفتم.
۱۵. حافظیان، محمد حسین، ۱۳۹۰، سازمان ها و احزاب زنان در ایران، کویر، تهران.
۱۶. حکمت، علی اصغر، ۱۳۵۵، سی سال خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، پارس، چاپ اول.
۱۷. خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه ی کشف حجاب (۱۳۱۳-۱۳۲۲)، ۱۳۷۱، تهران، اسناد ملی ایران.
۱۸. دلاواله، پیتر، ۱۳۹۰، سفرنامه، ترجمه شعاع الدین شفا، علمی و فرهنگی، تهران.
۱۹. دیالافوا، ۱۳۹۰، سفرنامه، ترجمه همایون فره وش، دنیای کتاب، تهران.
۲۰. راد، فیروز، ۱۳۸۲، جامعه شناسی توسعه فرهنگی، چاپخش، تهران.
۲۱. راوندی، مرتضی، ۱۳۸۲، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۶، تهران، نگاه، چاپ دوم.
۲۲. رستمی، فرهاد، ۱۳۸۴، پهلوی ها، تهران، نظر، جلد اول، چاپ سوم.
۲۳. زاهد، فیاض، ۱۳۹۰، عصر طلایی مطبوعات ایران (۱۲۹۹-۱۳۰۴ه.ش)، خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، تهران.
۲۴. زاهد، فیاض، ۱۳۹۰، دولت و انقلاب، خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، تهران.
۲۵. ساروخانی، باقر، ۱۳۸۱، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، چاپ چهارم.
۲۶. شرلی، ۱۳۵۷، سفرنامه، ترجمه آوانس، منوچهری، تهران.
۲۷. شمیم، علی اصغر، ۱۳۹۰، ایران در دوره ی سلطنت قاجار، زریاب، تهران، چاپ ششم.

۲۸. صادقی، فاطمه، ۱۳۹۲، کشف حجاب، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول.
۲۹. صلاح، مهدی، ۱۳۸۴، کشف حجاب زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول.
۳۰. عاقلی، باقر، ۱۳۷۶، روزشمار تاریخ ایران، تهران، گفتار، جلد اول، چاپ چهارم.
۳۱. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳، بنیادهای علم سیاست، نی، تهران.
۳۲. عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، خاطرات عین‌السلطنه، تهران، اساطیر، چاپ اول.
۳۳. فتیحی، مریم، ۱۳۸۳، کانون بانوان، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول.
۳۴. فراهانی، حسن، ۱۳۸۵، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول.
۳۵. فکوهی، ناصر، ۱۳۷۹، از فرهنگ تا توسعه، فردوس، تهران.
۳۶. فلاح‌زاده، سید حسن، ۱۳۹۱، رضا خان و توسعه ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۳۷. فوران، جان، ۱۳۸۰، تاریخ تحولات اجتماعی در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ سوم.
۳۸. قمی، قاضی شرف‌الدین، ۱۳۵۹، خلاصه‌التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، دانشگاه تهران.
۳۹. کرباسی‌زاده، مرضیه، ۱۳۸۴، سیرتحولات اجتماعی زنان در یکصد سال اخیر، اکنون، تهران.
۴۰. معتمدی و بشیری و باقری، غلامرضا و عباس و سعید، ۱۳۷۷، قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران، ققنوس، چاپ اول، تهران.
۴۱. معین، محمد، ۱۳۸۳، فرهنگ فارسی، تهران، معین، چاپ چهارم.
۴۲. مکی، حسین، ۱۳۷۴، تاریخ بیست‌ساله‌ی ایران، تهران، علمی، چاپ اول.
۴۳. الموتی، مصطفی، ۱۳۶۹، ایران در عصر پهلوی، تهران، پکا، جلد اول، چاپ دوم.
۴۴. موحدی، بهناز، ۱۳۸۰، زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها مرکز امور مشارکت زنان، تهران، برگ زیتون، چاپ اول.



۴۵. میرساردو، طاهره، ۱۳۷۹، فرهنگ جامعه شناسی، ج ۱ و ۲، سروش، تهران.
۴۶. واحد، سینا، ۱۳۶۶، قیام گوهر شاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۴.
۴۷. هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه)، ۱۳۸۵، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، چاپ ششم.

### **ب- مجلات**

۴۸. آبادیان و صفری، حسین و زهره، مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره ی مشروطه تا سلطنت رضا شاه، جستارهای تاریخی، سال پنجم، شماره ی دوم، پاییز و زمستان ۹۳.
۴۹. بصیرت منش، حمید، روند کشف حجاب و واکنش روحانیون، تاریخ معاصر ایران، شماره ۲، تابستان ۷۶.